

ارزیابی از جنبش کارگری در سال ۱۴۰۰



سال گذشته (۱۴۰۰) از همان آغاز با تشدید سرکوب و اعمال فشار بیشتر علیه کارگران آغاز شد. افزون بر فشارهای اقتصادی و معیشتی، فشارهای سیاسی نیز فزونی گرفت و پرونده‌سازی علیه فعالان کارگری تشدید شد. به بهانه پایان مهلت قرارداد، شمار زیادی از کارگران پیشرو در مؤسسات و کارخانه‌های مختلف از جمله در فولاد، هفت‌تپه، معادن، پتروشیمی‌ها، پالایشگاه‌ها و شرکت‌های نفت و

در صفحه ۳

سالی که ورشکستگی سیاسی رژیم عریان‌تر شد

سال ۱۴۰۰ در شرایطی سپری شد که جمهوری اسلامی در تمام عرصه‌های اقتصادی- اجتماعی و سیاسی، ورشکستگی خود را بیش از هر زمان دیگر آشکار کرد و توده‌های کارگر و زحمتکش زیر شدیدترین فشارهای معیشتی قرار گرفتند. بحران اقتصادی رکود- تومی برغم ادعای اخیر منابع دولتی مبنی بر رشد ۳ درصدی پس از چندین سال رشدهای منفی عمیق‌تر شد. این بحران اقتصادی عواقب اجتماعی وخیمی برای توده‌های کارگر و زحمتکش در پی داشت. صدها هزار تن از کارگرانی که کار خود را از دست دادند و جوانانی که وارد بازار کار شدند، اما از یافتن کار محروم ماندند، به ارتش میلیونی بیکاران پیوستند.

در حالی که بر طبق گزارش مرکز آمار، بیش از ۶۳ میلیون نفر از جمعیت کشور در رده سنی ۱۵ ساله و بیشتر در سن کار قرار دارند، تعداد شاغلین با همان معیار کذائی یک ساعت کار در هفته، ۲۳ میلیون و ۵۳۵ هزار نفر اعلام شد. بر طبق همین آمار رسمی، نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله به ۶ / ۲۳ درصد رسید. سهم ۳۱ میلیونی زنان در سن کار از جمعیت شاغل تنها حدود ۵ / ۳ میلیون نفر اعلام گردید. فارغ‌التحصیلان آموزش عالی نیز ۳ / ۴۲ درصد بیکار ماندند که ۳۰٫۲ درصد آن را مردان و ۷۲٫۹ درصد آن را زنان تشکیل می‌دهند. این آمار بارزترین دلیل بر رکود عمیق اقتصادی است.

تورم نیز همچنان به رشد افسارگسیخته خود ادامه داد. ورشکستگی مالی دولت و کسری بودجه ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی، انتشار بی‌پشتوانه اسکناس، عامل مهم افزایش نرخ تورم در سال گذشته بود. بانک مرکزی در گزارش «تحلیل تحولات اقتصاد کلان و اقدامات این بانک در بهمن‌ماه ۱۴۰۰» نوشت: در ۱۱ ماهه امسال رشد پایه پولی معادل ۶ / ۲۶ درصد و رشد نقدینگی معادل ۴ / ۳۰ درصد بوده است. همچنین حجم نقدینگی در پایان بهمن‌ماه سال

در صفحه ۲

**پیام شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست
به مناسبت سال نو**

در صفحه ۹

بودجه ۱۴۰۱ سندی بر ضرورت سرنگونی انقلابی نظام حاکم

در صفحه ۱۰

شعار سال خامنه‌ای: ادعاهای پوشالی سال‌های گذشته

مسئولان پیام‌ده، رهبر جمهوری اسلامی، علی خامنه‌ای است، و پیام او سرآمد پیام‌های رنج‌آور. خامنه‌ای که نام‌گذاری سالانه را از سال ۱۳۷۸ بدعت گذاشته است و بیش از ده سالی است که شعارهای محورهای اقتصادی یافته‌اند، در پیام نوروزی خود سال ۱۴۰۱ را "سال تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین" نام‌گذاری کرد. نام‌گذاری‌های سالیان پیش وی، شعارهایی بودند

در صفحه ۶

چند روزی از آغاز سال ۱۴۰۱ می‌گذرد. یکی از رویدادهای معمول پس از تحویل سال و آغاز سال نو شمسی، انتشار پیام و ایراد سخنرانی مسئولین جمهوری اسلامی به مناسبت آغاز سال نو است. پیام‌ها و سخنرانی‌هایی که نه تنها شادی و شغفی در مردم برنمی‌انگیزند، بلکه نمکی هستند بر زخم‌های ناسوری که این رژیم طی سال گذشته و سالیان پیشین بر بیکر و جان و روان آنان وارد آورده است. یکی از اولین

چهره کریه جنگ در سیمای پناهندگان و آوارگان اوکراین

"جنگ ادامه سیاست است با وسایلی دیگر. همه جنگ‌ها از نظام‌های سیاسی زاینده شان جدایی ناپذیرند... چه چیزی سبب جنگ شد، چه طبقاتی در آن شرکت دارند و چه شرایط تاریخی، و تاریخی- اقتصادی باعث شروع آن شد." (لنین - جنگ و انقلاب)

از ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ (پنجم اسفند ۱۴۰۰) که تهاجم نظامی روسیه به اوکراین شروع شد، یک ماه و اندی گذشته است. در این مدت، در پی حملات هوایی، زمینی و دریایی ارتش روسیه، بسیاری از شهرهای اوکراین ویران و هزاران غیر نظامی از زن و مرد و کودک زیر آتش حملات توپخانه‌ای و موشکی روسیه جان باخته‌اند؛ بخش‌های وسیعی از زیر ساخت‌های نظامی، سامانه‌های موشکی، ایستگاه‌های راداری و مراکز ارتباطی نیروهای مسلح اوکراین مورد هدف حملات ارتش روسیه قرار گرفته‌اند؛ چهره بسیاری از شهرها دگرگون، ساختمان‌های مسکونی ویران و حتی بیمارستان‌ها و اماکن فرهنگی نیز از حملات ارتش روسیه مصون نمانده‌اند. آب و برق در مناطق وسیعی از کشور قطع، شهرها خالی از سکنه و میلیون‌ها نفر از مردم اوکراین خانه و کاشانه خود را رها کرده و برای

در صفحه ۷

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

سالی که ورشکستگی سیاسی رژیم عریان تر شد

۱۴۰۰ (معادل ۴۶۲۴۱ هزار میلیارد ریال) نسبت به پایان سال ۱۳۹۹ معادل ۲۳ درصد رشد یافت. آخرین گزارش مرکز آمار، نرخ تورم سالانه اسفندماه در سال ۱۴۰۰ را، ۲ / ۴۰ درصد اعلام کرده است. به رغم ادعای مرکز آمار در مورد نرخ تورم ۴۰ درصدی، این نرخ تورم را اقتصاددان‌های رژیم حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد اعلام کردند. در واقعیت اما تورم برای توده‌های کارگر و زحمتکش، کالاها و خدمات موردنیاز روزمره است که در سال گذشته بهای آن‌ها گاه به چند برابر افزایش یافت. این آمار در نیمه دوم سال در گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» به ۳ / ۶۱ درصد رسید. به گزارش ایسنا تنها در فاصله دی تا بهمن‌ماه سال ۱۴۰۰ افزایش قیمت تا ۲ / ۱۸ درصدی برای اقلام خوراکی ثبت شده است. اما حتی با در نظر گرفتن نرخ تورم ۴۰ درصدی ساختگی مرکز آمار که مردم ایران هیچ‌گاه آن را جدی نمی‌گیرند، کارگران و حقوق‌بگیران زحمتکش در سال گذشته حدود نیمی از قدرت خرید خود را در نتیجه تورم و کاهش ارزش ریال، از دست دادند.

در نتیجه بیکاری گسترده، کاهش ارزش ریال و تورم افسارگسیخته، سطح معیشت کارگران و زحمتکشان شدیداً تنزل کرد و قدرت خرید کارگران لااقل ۵۰ درصد کاهش یافت. میلیون‌ها تن از مردمی که زیرخط فقر زندگی می‌کردند، فقیرتر شدند. بنابراین بی‌دلیل نبود که در سال گذشته فروش اعضای بدن و کودک فروشی رواج گسترده یافت. گروه کثیری به حاشیه شهرها رانده شدند. بر تعداد مردم بی‌خانمان افزوده شد. ماشین خوابی هم به کارتن‌خوابی و گور خوابی افزوده شد. تعداد معززان و تن‌فروشان نیز افزایش یافت. متجاوز از دو میلیون تن از کودکان خانواده‌های کارگر و زحمتکش از فرط فقر، ترک تحصیل کردند و به اردوی کودکان کار پیوستند. توأم با این فشارهای اقتصادی اعتراضات توده‌ای نیز افزایش یافت. در سال ۱۴۰۰ توده‌های کارگر و زحمتکش در متجاوز از ۲۰۰۰ مورد به اعتصاب، تجمع و تظاهرات روی آوردند. بیشترین تعداد اعتراضات از سوی کارگران حول مطالبات معیشتی بود و برجسته‌ترین مبارزات را کارگران معادن، هفت‌تپه، فولاد، نفت، گاز و پتروشیمی، برق و مخابرات داشتند.

در سالی که گذشت، مردم خوزستان در اعتراض به فقر، گرسنگی و بیکاری و حتی نداشتن آب آشامیدنی در اواخر تیرماه چندین روز تظاهرات برپا کردند که تا هفته نخست مردادماه ادامه یافت. این تظاهرات مورد حمایت مردم در تعدادی از شهرهای ایران قرار گرفت. رژیم بار دیگر به سرکوب خونین مردم خوزستان متوسل شد. مردم را به گلوله بست. تعدادی کشته و مجروح شدند و گروه کثیری بازداشت شدند. در اصفهان نیز کشاورزان و مردم شهر اصفهان تظاهرات گسترده‌ای علیه رژیم بر پا کردند که جمهوری اسلامی در این مورد هم با سرکوب و بازداشت

به مقابله با آن پرداخت. یکی از برجسته‌ترین مبارزات سال گذشته اعتراضات معلمان بود. معلمان چندین اعتصاب و تجمع سراسری و پی‌درپی را در متجاوز از دویست شهر و روستا سازمان دادند. در این سال جنبش معلمان رادیکال‌تر شد و علاوه بر مطالبه اجرای رتبه‌بندی و همسان‌سازی حقوق فرهنگیان بازنشسته، خواستار برافزاندن خصوصی‌سازی آموزش، تحصیل رایگان و عدم دخالت دستگاه مذهبی در امور مدارس شدند. نیروی سرکوب پلیس در موارد متعدد این تجمعات را مورد حمله قرارداد. تعدادی از معلمان را بازداشت و برای چند تن از فعالان جنبش، پرونده‌سازی کرد. هم‌اکنون تعدادی از معلمان در زندان‌های رژیم گرفتارند. علاوه بر مبارزات معلمان رسمی آموزش و پرورش، هزاران تن از معلمان خرید خدمات، کارنامه سبز، پیش‌دبستانی و غیره تجمع‌های اعتراضی متعددی برای استخدام رسمی برپا ساختند. در سال گذشته تجمعات اعتراضی بازنشستگان نیز افزایش بی‌سابقه‌ای یافت و هر هفته در روز یکشنبه انجام گرفت. پرستاران نیز که در طول تمام دوران کرونا کار طاقت‌فرسای مراقبت از بیماران کرونایی بر عهده داشته‌اند، چندین تجمع اعتراضی برای افزایش حقوق، استخدام رسمی و دیگر مطالبات خود سازمان دادند. در تمام مبارزات یک سال گذشته زنان در اعتصابات و تجمع‌های اعتراضی نقش برجسته و رهبری‌کننده‌ای بر عهده داشتند و با سخنرانی‌های پرشور خود، رژیم را به محاکمه کشیدند. زنان همچنین در موارد متعدد بر سر حجاب اجباری با نیروهای سرکوبگر رژیم درگیر شدند. هم‌اکنون ده‌ها تن از زنان مبارز در زندان‌های رژیم اسیر و گرفتارند. جمهوری اسلامی که راحلی برای معضلات اجتماعی ایران ندارد، بر شدت اقدامات سرکوبگرانه خود افزود. در سالی که گذشت صدها تن از مردم ایران را به جوخه اعدام سپرد. بر اساس آمار منتشرشده توسط گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور ایران، در سال ۲۰۲۱ دستکم ۲۸۰ نفر در ایران اعدام شدند. تعدادی از این اعدام‌شدگان اتهام سیاسی داشتند. در سالی که گذشت مردم ایران ضربه سیاسی محکمی به رژیم وارد آوردند و با تحریم گسترده خیمه‌سب‌بازی انتخاباتی به تمام جهان نشان دادند که جمهوری اسلامی از حمایت یک اقلیت بسیار

ناچیز برخوردار است و تنها با تکیه به نیروی سرکوب بر مردم حکومت می‌کند. علاوه بر فجایعی که جمهوری اسلامی در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آفرید، در سالی که گذشت در نتیجه سیاست‌های ارتجاعی رژیم صدها تن از مردم ایران در جریان حوادث ظاهراً طبیعی و کرونا جان خود را از دست دادند.

در اردیبهشت‌ماه سال گذشته سیل ۱۴ استان کشور را فراگرفت. صدها تن از مردم به‌ویژه در استان‌های کرمان و یزد، مصدوم و تعدادی نیز کشته شدند. بسیاری از خانه‌های مردم زحمتکش به‌کلی ویران یا دچار خسارت جدی شد. مزارع و باغ‌های مردم زیر آب رفت. زیرساخت‌ها آسیب دیدند، جاده‌ها مسدود و مردم به مدت چندین روز از آب، برق و تلفن محروم شدند. کرمان و یزد از جمله مناطقی بودند که بیشترین خسارات را متحمل شدند.

اکنون دیگر بر کسی پوشیده نیست که این سیل‌هایی که هر سال در ایران جاری می‌شود و در جریان آن مردم به قتل می‌رسند و کاشانه و زندگی آن‌ها بر باد می‌رود، نتیجه ویران‌سازی طبیعت در اثر سیاست‌های طبقه حاکم و ارگان‌های آن برای کسب سود است.

بزرگ‌ترین فاجعه سال گذشته ادامه بیماری کرونا و مرگ ده‌ها هزار تن از مردم بود که نتیجه سیاست این‌سازی‌گله‌ای، تأخیر در واکسیناسیون، ممنوع اعلام کردن واردات واکسن‌های مؤثر بود. بنابراین در سال گذشته یکبار دیگر مرگ روزانه ناشی از کرونا گاه به ۷۰۰ تن رسید و تعداد مردمی که جانشان را از دست دادند بر طبق گزارش رسمی از ۶۴ هزار در فروردین ۱۴۰۰ به ۱۴۰ هزار تا پایان سال گذشته رسید. بر طبق آمار غیررسمی اما واقعی‌تر تعداد مرگ‌ومیر به حدود ۳۰۰ هزار رسید. درحالی‌که در بسیاری از کشورهای جهان از مدت‌ها پیش محدودیت‌های ناشی از این بیماری به‌کلی برچیده شده است، در ایران اما تا آخرین روزهای اسفندماه هنوز آمار مرگ روزانه بیماران کرونایی سه‌رقمی بود.

به هر عرصه‌ای که نظر افکنیم جمهوری اسلامی در سالی که گذشت جز فاجعه برای مردم ایران چیزی به بار نیاورد و بار دیگر نشان داد که هیچ راحلی برای معضلات جامعه ایران ندارد و ادامه حیات آن فجایع بیشتری به بار خواهد آورد. مردم ایران نمی‌توانند از فجایعی که این رژیم در عرصه‌های مختلف به بار آورده است، نجات یابند، مگر آن که در سال جدید بساط آن را از ایران برچینند.

رژیم جمهوری اسلامی را باید

با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام

مسلحانه برانداخت

ارزیابی از جنبش کارگری در سال ۱۴۰۰



خاطره تظاهرات خیابانی باشکوه پاییز سال ۹۷ را زنده کردند و مدیریت را عقب راندند. کارگران متحد و آگاه فولاد اهواز یکبار دیگر نشان دادند در برابر هرگونه تعرض و در برابر هرگونه نقشه و اراده‌ای برای تعطیلی فولاد و اخراج، محکم و استوار ایستاده‌اند. تجمع و راهپیمایی روز یکشنبه ۲۴ بهمن نشان داد که کارگر فولاد را نمی‌توان فریب داد. این تجمع گسترده بار دیگر نشان داد که اعتراض و مبارزه در گروه ملی فولاد اهواز تا پیروزی کارگران ادامه دارد. مبارزات کارگران فولاد در برابر تعرضات سرمایه، مقاومت و ایستادگی آن‌ها در برابر نقشه‌های شوم سرمایه‌داران و دولت آن‌ها یکی از درخشان‌ترین صفحات جنبش طبقه کارگر ایران است.

توزیع برق

در بخش توزیع برق دستکم ۲۱ هزار نیروی کار وجود دارد که در قالب شرکت‌های جمعی و پیمانی مشغول به کار هستند و به‌شدت استثمار می‌شوند. این کارگران طی چند سال گذشته بارها دست به اعتصاب و تجمع زده و خواهان تبدیل وضعیت و استخدام دائمی شده‌اند. سال گذشته نیز علاوه بر تجمعات اعتراضی در سطح شهرستان‌ها و استان‌ها، صدها تن از این کارگران به نمایندگی از هزاران کارگر پیمانی توزیع برق دو تجمع هماهنگ و سراسری در ۱۷ فروردین و ۱۶ آذر در مقابل مجلس و وزارت نیرو برگزار نمودند و خواهان برچیدن شرکت‌های پیمانی و استخدام رسمی شدند. اعتراضات کارگران توزیع برق از آن رو حائز اهمیت است که روند رو به گسترش اعتراضات رشته‌ای و سراسری را ترسیم می‌کند. بعد از سلسله اعتراضات و تجمعات هماهنگ و سراسری اپراتورهای برق فشارقوی در چند سال گذشته که پیروزهای نسبی در برداشت و نزدیک به یکسوم کارگران برق فشارقوی تبدیل وضعیت شدند، اکنون کارگران بخش توزیع برق نیز در همین مسیر قرار گرفته‌اند.

تمام شواهد به‌ویژه هماهنگ نمودن اعتراض و مبارزه کارگران توزیع برق در چندین شهر و استان و سازمان‌یابی چند تجمع سراسری در تهران گویای این واقعیت است که به همت کارگران آگاه و پیشرو، تشکل هماهنگ‌کننده‌ی

دیگر نمی‌خواهند و حتی اگر بخواهند نمی‌توانند وضع موجود را تحمل کنند. کارگران خواهان تغییر وضع موجود هستند و برای گسستن زنجیرهای بندگی از دست‌وپایشان که طبقه حاکم پیوسته در حال سفت کردن آن است، وارد میدان شده‌اند.

ارزیابی دقیق و همه‌جانبه از جنبش کارگری در سالی که گذشت مستلزم کنکاش و بررسی انبوه اعتصابات و اعتراضات کارگری است که محدودیت صفحات نشریه کار نه‌فقط اجازه بررسی تمام این اعتصابات را نمی‌دهد بلکه حتی پرداختن به چند درصد این اعتصابات نیز ممکن نیست. در اینجا خیلی کوتاه فقط به چند نمونه از برجسته‌ترین و مهم‌ترین اعتصابات کارگری که به ارزیابی از جنبش کارگری در سالی که گذشت کمک می‌کند اشاره می‌کنیم.

گروه ملی فولاد

در فولاد باسابقه درخشان مبارزاتی در سال‌های گذشت به‌ویژه پاییز سال ۹۷، تهدیدات مکرر شفاهی و کتبی قبلی مدیریت مبنی بر اخراج، در نخستین روزهای فروردین ۱۴۰۰ جنبه عملی به خود گرفت. حراست از ورود دو تن از کارگران پیشرو تحت عنوان اینکه حکم اخراج آن‌ها صادر شده، ممانعت به عمل آورد. مدیریت در صدد بود تعداد بیشتری از کارگران پیشرو را اخراج کند. اما این اقدام به‌فوریت مورد اعتراض شدید کارگران قرار گرفت. کارگران با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن محکوم کردن اقدام مدیریت، با صدور فراخوان تجمع، خواهان بازگشت به کار همکاران خود شدند. اتحاد و همبستگی کهن‌ظیر و واکنش سریع کارگران، دفاع یکپارچه از رفقای خود، مدیریت را عقب راند و کارگران به سرکار بازگشتند. گروه ملی فولاد که طی چند سال گذشته چندین بار دست‌به‌دست شده و تا مرز تعطیلی کامل پیش رفته است، هر بار با تلاش و همت کارگران از خطر سقوط و تعطیلی کامل رها شده است. اواخر سال گذشته نیز بار دیگر ادامه کاری شرکت و آینده شغلی کارگران در ابهام فرورفت. از یکسو خواست افزایش دستمزد و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل مورد بی‌توجهی مدیریت قرار گرفت و از سوی دیگر ارباب و تهدید و پرونده‌سازی‌های امنیتی و قضایی علیه کارگران پیشرو تشدید شد. اقدامات مدیریت و حامیان آن در پاسخ به مطالبات کارگران، تنها به مشت‌ی وعده توخالی محدود ماند. بلافاصله فراخوان تجمع در مقابل استانداری خوزستان انتشار یافت. کارگران با تجمع گسترده در مقابل استانداری و حمل شعارنوشته بزرگ "کارگران بیدارند از استثمار بی‌زارند" در خیابان‌های شهر دست به راهپیمایی زدند، بر جنگ علیه ظلم و بیداد تأکید نمودند،

گاز حفاری در عسلویه و سایر مناطق از کار اخراج شدند یا از ورود آن‌ها به شرکت جلوگیری به عمل آمد. طبقه حاکم و رژیم سیاسی آن کنترل پلیسی در مراکز کارگری را تشدید کرد. در برخی موارد برای تحمیل شرایط بدتر بر کارگران به حربه تعطیل شرکت و اخراج دسته‌جمعی متوسل شد. هر جا سابقه مبارزه و اعتصاب بیشتر بود، تهدید و اعمال زور و فشار سرنیزه نیز بیشتر بود. چنین بود که در بسیاری از مراکز کارگری، مبارزه در شروع سال، در مخالفت با اخراج‌ها و با خواست بازگشت به کار کارگران اخراجی آغاز شد. افزون بر تهدیدها و



فشارهای مستقیم برای مقابله با کارگران و جلوگیری از اعتراضات آن‌ها وزارت کار رژیم در همدستی با کارفرمایان تلاش نمود با راه‌اندازی یا فعال کردن شوراهای اسلامی کار در این مراکز، از بروز اعتراض و اعتصاب جلوگیری کند یا دست‌کم اوضاع را تحت کنترل خویش درآورد و زنجیرهای بندگی را بر دست و پای طبقه کارگر محکم‌تر کند. اما به‌رغم تمام این تلاش‌ها و محدودیت‌ها و ترفندها، اعتراضات کارگری در سال گذشته نیز تداوم و گسترش بیشتری یافت. کارگران در بسیاری از مؤسسات تولیدی و خدماتی در سرتاسر کشور در اشکال گوناگون و متنوعی از اعتصاب و تجمع و تظاهرات خیابانی گرفته تا ایجاد راهبندان و مسدود ساختن جاده و بیرون انداختن عوامل مدیریت و کارفرما از شرکت و نظایر آن دست به اعتراض زدند. شمار اعتصابات و شمار کارگرانی که به اعتراض و اعتصاب روی آوردند افزایش یافت. در سند "خیلی محرمانه" از جلسه سران سپاه و نیروهای امنیتی رژیم که توسط گروه سایبری "عدالت علی" افشا شد، اعلام‌شده نارضایتی‌های اجتماعی ۳۰۰ درصد افزایش یافته است. تجمعات اعتراضی در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹، ۴۸ درصد و تجمع‌کنندگان ۹۸ درصد رشد داشته است. تجمع در محیط‌های کارگری ۱۳۶ درصد افزایش یافته است. در این سند آشکارا اعلام‌شده "جامعه در حالت انفجار زیرپوستی قرار دارد". هزاران اعتصاب کوچک و بزرگ کارگری از همان نخستین روزهای سال ۱۴۰۰ تا روزهای پایانی آن‌که تکتک آن‌ها در جای خود مهم هستند، گویای رشد مبارزات و تعمیق و تشدید نارضایتی کارگران و گویای این واقعیت است که کارگران

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

ارزیابی از جنبش کارگری در سال ۱۴۰۰



تجمع هزاران تن از کارکنان رسمی نفت در تهران و چندین شهر و مناطق عملیاتی و سکوهای دریایی در ۵ خرداد، دو اقدام اعتراضی بزرگ سازمان‌دهی شده شاغلین رسمی در نفت و ادامه مبارزه‌ای بود که پرچم آن در تیرماه سال ۹۹ برافراشته شده بود. وسیع‌تر و گسترده‌تر از این اما اعتصاب فراگیر و سراسری کارگران پیمانی و پروژه‌های نفت و گاز و پتروشیمی است که از ۳۰ خرداد آغاز شد و بیش از دو ماه ادامه داشت. بعد از اعتصاب سراسری کارگران پیمانی در ۱۱ مرداد سال ۹۹، این کارگران چندین بار به‌طور جداگانه دست به اعتصاب و تجمع زده بودند. این بار اما با فراخوان " شورای سازمان‌دهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" کارگران پیمانی در ابعاد گسترده‌ای به اعتصاب روی آوردند. این اعتصاب هم از نظر مراکز که به اعتصاب روی آوردند و هم به لحاظ تعداد کارگران، مرزهای اعتصاب سال ۹۹ را پشت سر گذاشت. اعتصاب فراگیر کارگران پیمانی در سال ۹۹ با شرکت ۲۵ هزار کارگر، جای خود را به اعتصاب در نزدیک به ۱۱۴ شرکت و بیش از بیست استان و حدود ۱۰۰ هزار کارگر سپرد. این نشان می‌دهد که نفت با سرعت هرچه بیشتر دارد غیبت ۲۵ ساله خود را جبران می‌کند. نفس سازمان‌یابی چند اعتصاب فراگیر و سراسری در نفت اعم از کارگران رسمی یا غیررسمی، حاکی از شکل‌گیری و فعالیت تشکلهای هماهنگ‌کننده و سازمانده اعتصابات از نمونه " شورای سازمان‌دهی مبارزات کارگران پیمانی نفت" و گویای پیشرفت‌های عظیم و کم‌سابقه جنبش اعتصابی طی ۲۵ سال اخیر در نفت است. حضور پررنگ و سراسری نفت در صحنه مبارزه، این واقعیت را اثبات می‌کند که تلاش‌ها و ترفندهای طبقه حاکم و رژیم سیاسی آن برای گستراندن چتر رعب و وحشت و تحمیل فضای سنگین سرکوب شبه پادگانی و جدا نگاه‌داشتن کارگر نفت از سایر کارگران به‌کلی کارایی خود را از دست داده است. کارگر نفت با اعتصابات افتخارآمیز خود، فضای یخ‌زده و خفقان حاکم بر این صنعت را در هم شکست. در سال گذشته دولت و وزارت کار آن در همدستی با کارفرمایان آشکارا بر تلاش‌های خود برای ایجاد شوراهای اسلامی کار یا فعال کردن این ارگان‌های جاسوسی افزود. این تلاش‌ها به‌طور عمده معطوف به مراکز بود که در صفحه ۵

اعتراضات و اعتصابات برجسته و روبه گسترش کارگران معدن است. تمام این تجمعات از همراهی خانواده‌ها برخوردار بوده و در همه موارد کارفرما به دستگاه ارباب و سرکوب متوسل شده است و در نهایت با عقب‌نشینی کارفرما و وعده رسیدگی به خواست کارگران همراه بوده است.

هفت‌تپه

در هفت‌تپه که در پنج سال اخیر چون ستاره پرفروغی در آسمان جنبش کارگری درخشیده است، مبارزه طبقاتی در سال گذشته ابعاد جدیدی به خود گرفت. مبارزات پرشور و اعتصابات مستمر کارگران هفت‌تپه با خواست محوری خلعید از کارفرمای بخش خصوصی، دولت را به عقب‌نشینی وادار نمود و حکم فسخ قرارداد با اسد بیگی و خلع مالکیت وی از کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه سرانجام در ۱۸ اردیبهشت اعلام شد. باوجود آنکه نفس اعلام رسمی این خبر پیروزی مهمی بود برای کارگران هفت‌تپه و مقدمه پیروزی‌های بعدی به‌حساب می‌آمد، اما صدور این حکم و اعلام آن تا مدتی منجر به هیچ‌گونه تغییری در هفت‌تپه نشد. درست برعکس، وضعیت بلاتکلیفی ادامه یافت و گویا اراده‌ای در کار بود که با قطع آب و کاهش حق آبه و عدم پرداخت دستمزد و تشدید انواع فشار، کارگران را مستأصل و پشیمان کند. بنابراین کارگران آگاه و هوشیار هفت‌تپه سلسله اعتصابات دیگری را سازمان دادند. علی‌رغم لغزش برخی عناصر و توهم نسبت به افراد و جناح‌های حکومتی، نمایندگان شناخته‌شده کارگران هفت‌تپه و شورای مستقل کارگران هفت‌تپه استقلال خود را حفظ کردند. کارگران هفت‌تپه با ادامه مبارزه و سازمان‌دهی اعتصابات و تجمعات و اعتراضات خیابانی و طولانی‌مدت در تیرماه و مهرماه سرانجام توانستند اثرات ملموس خلعید از اسد بیگی و نتیجه پنج سال مبارزه مستمر خود را ببینند و به شعار "نه رستمی نه بیگی، شرکت بشه دولتی" و برخی دیگر از خواست‌های خود جامه عمل پوشند. این پیروزی مرحله‌ای اما به معنای ختم مبارزه نیست. مبارزه طبقاتی در هفت‌تپه ادامه دارد.

اگر فولاد و برق و معدن و هفت‌تپه در سال گذشته چون ستاره‌های پرفروغی در آسمان جنبش کارگری درخشیدند و نورافشانی کردند، نفت اما در جایگاهی بالاتر مانند خورشید تابانی در آسمان ظاهر شد و پرتو گرم اشعه نورانی‌اش اقصا نقاط کشور را روشن کرد و گرمابخش پیکر جنبش طبقاتی کارگران شد. تجمع و اعتصاب سراسری شاغلین رسمی نفت در بیست اردیبهشت در چند شهر و همچنین اعتصاب و

مبارزات کارگران در میان این بخش از کارگران برق نیز شکل‌گرفته و قوام‌یافته است. این تشکل گرچه ممکن است علنی نباشد و نیست اما با سازمان‌دهی گسترده‌تر تجمعات و اعتراضات سراسری در تهران، قادر است وزارت نیرو را به عقب‌نشینی وادار کند. پوشیده نیست که با اتحاد و هماهنگی میان کارگران برق فشار قوی و کارگران توزیع برق و ارتباط و هماهنگی میان تشکل‌هایشان، می‌توان نیروی اعتراض و مبارزه کارگران برق را دوچندان کرد و مبارزات وسیع‌تری را در رشته برق سازمان داد.

معدن

چراغ اعتراض و اعتصاب در معادن در سال گذشته همچنان روشن بود. معادن در سال گذشته بسیار خوش درخشیدند. پرچم اعتصاب و اعتراض خیابانی که در معادن زغال‌سنگ و مس و کرومیت به اهتزاز درآمد، شمه‌ای از وضعیت عمومی معادن را به تصویر کشید. اعتصاب و تجمع و ایجاد رابندگان و راهپیمایی ۱۴۰۰ کارگر معدن کرومیت آسمی نون منو جان در فروردین، اردیبهشت و آذر سال گذشته، مسدود ساختن مکرر جاده بین‌المللی منو جان - بندرعباس، همراهی خانواده‌ها و تظاهرات خیابانی در شهر منو جان که منجر به عقب‌نشینی کارفرما شد یک نمونه از مبارزات برجسته کارگران معدن است. اعتصاب یکپارچه و تجمع بیش از ۲۰۰۰ کارگر مجتمع مس سونگون ورزقان از ۳۰ آبان تا ۲ آذر ۱۴۰۰ در اعتراض به دستمزدهای پائین، نوع قرارداد و



اخراج ۶۰ تن از همکاران خود که ایضاً عقب‌نشینی کارفرما را در پی داشت نمونه درخشان دیگری از اعتصابات معدن است. "کارگر بیدار است- از استعمار بیزار است"، شعاری که سنتاً بر زبان کارگران فولاد و هفت‌تپه جاری بود، این بار در فضای معدن مس طنین‌انداز شد. اعتصاب یکپارچه و گسترده کارگران ۷ معدن زغال‌سنگ کرمان زیرپوشش بخش خصوصی در مهرماه و اعتصاب متحدانه و ۳۵۰۰ کارگر معادن زغال‌سنگ زرنده، کوهبنان و راور کرمان زیرپوشش دولت در آبان سال گذشته در اعتراض به احتمال واگذاری آن به بخش خصوصی نمونه‌های دیگری از

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

ارزیابی از جنبش کارگری در سال ۱۴۰۰



عملی صورت نگیرد و نیروی مبارزه کارگری برای تحقق چنین خواستی سازمان‌دهی و بسیج نشود، از سوی طبقه حاکم و دولت این طبقه جدی گرفته نمی‌شود. صدور بیانیه‌های متعدد تشکل‌های کارگری و بازنشستگان و سایر زحمتکشان نیز که در واقع نوعی اقدام مشترک محسوب می‌شود، بیان‌گر تقویت اتحاد و همگرایی در صفوف کارگران و زحمتکشان است. گرچه صدور چنین بیانیه‌هایی نیز مثبت ارزیابی می‌شود اما این‌گونه اتحادهای کاغذی باید به مرحله سازمان‌دهی عمل مشترک و به میدان مبارزه کشاندن نیروی توده‌ای متشکل در این تشکل‌ها- البته تا آنجا که از چنین پایگاهی برخوردارند- گذر کند تا تأثیرات محسوسی برجای بگذارد.

در بررسی مبارزات و خواست‌های کارگری در سال ۱۴۰۰ به‌خوبی می‌توان مشاهده کرد که اعتراض و اعتصاب گاه واکنش کارگران در برابر تعرض کارفرما و طبقه حاکم است و خواسته کارگر دفاع از آن چیزی است که از آن برخوردار است و گاه عکس این در عین حال این بررسی نشان می‌دهد که در سال گذشته مبارزات و خواست‌های صنفی و سیاسی به هم درآمیخته و در کلیت خود جهت‌گیری سیاسی این مبارزات پررنگ‌تر شده است. از این نمونه است موضع‌گیری تشکل‌های کارگری در زمینه دفاع از کارگران و فعالان اجتماعی که به زندان افتاده‌اند، آزادی زندانیان سیاسی، مخالفت با برخی سیاست‌های دولت از جمله زیر سؤال بردن مستقیم و جدی سیاست دولت در مورد کرونا و واکسیناسیون و بهداشت و درمان و غیره. اعتراضات و اعتصابات کارگری در نیمه اول سال ۱۴۰۰ در رأس اعتراضات توده‌ای بود و طبقه کارگر در رأس آرایش سیاسی علیه طبقه حاکم قرار داشت. نیمه دوم سال اگرچه جنبش اعتراضی معلمان از چنین جایگاهی برخوردار شد، اما جنبش کارگری نیز فعال بود و چراغ اعتراض و اعتصاب در برق و فولاد و نفت و بسیاری واحدهای دیگر تا واپسین روزهای سال همچنان روشن بود.

علی‌رغم تمام پیشرفت‌ها و نقاط قوت جنبش کارگری در سال ۱۴۰۰ و به‌رغم حضور فعال آن در صحنه سیاسی گاه در مقیاس تمام جامعه اما این واقعیت را نمی‌توان انکار کرد که طبقه کارگر هنوز در موقعیتی نیست که به‌مثابه یک طبقه آگاه و متشکل به یک مبارزه تمام‌عیار سیاسی با طبقه حاکم و تعیین تکلیف قطعی با آن برخیزد. برای دستیابی به چنین موقعیتی باید کارکرد و بیشترین وظیفه در این میان، بر عهده کمونیست‌ها و کارگران آگاه است.

شروع شد و بهتر از آن ادامه یافت، اما به حال خود رها شد و پایان خوبی نداشت. از آنجاکه پیوند و ارتباط "شورای سازمان‌دهی مبارزات کارگران پیمانی نفت" با توده کارگران محدود بود و خود نمی‌توانست در مقیاس سراسری به نمایندگی از طرف کارگران وارد مذاکره و چانه‌زنی شود، ادامه یا پایان اعتصاب عملاً به خود کارگران در واحدهای مجزا از هم و پراکنده واگذار شد. در غیاب یک هیئت نمایندگی در مقیاس سراسری که بتواند ادامه یا پایان اعتصاب را هماهنگ سازد، از اواسط مرداد شمار کارگران و واحدهایی که کار را از سر گرفتند اندک‌اندک فزونی گرفت و در نهایت بی‌آنکه جایی به‌طور رسمی اعلام شود، اعتصاب در شکل سراسری از نفس افتاد و خاموش شد.

افزون بر این هنوز کارگران رسمی و غیررسمی جدا از هم اعتراض و اعتصاب می‌کنند. علی‌رغم تمایل کارگران پیمانی هنوز نشانی از اتحاد مبارزاتی کارگران رسمی و پیمانی دیده نمی‌شود. نه‌فقط جای یک تشکل واحد و سراسری کل کارگران و کارکنان نفت خالی است، بلکه کارگران رسمی یا غیررسمی از تشکل‌های سراسری پر قدرت و مستقل خویش نیز محروم‌اند. این ضعف و کمبود اساسی متأسفانه منحصر به کارگران نفت نیست که تشکل‌یابی در میان آن‌ها رشد داشته و ارتقا یافته است، این ضعف و کمبود همه‌شمول است. برق و معدن و فولاد و سایر بخش‌ها و کل طبقه کارگر را در برمی‌گیرد. فقدان تشکل از موانع و عوامل اصلی یا مهم‌ترین علتی است که نگذاشته طبقه کارگر به‌صورت یک طبقه متشکل و سازمان‌دهی شده در مقیاس سراسری وارد عرصه مبارزه طبقاتی شود.

در بررسی مبارزات کارگری در سال گذشته از جمله بررسی بیانیه‌ها و موضع‌گیری تشکل‌های کارگری می‌توان به رشد آگاهی سیاسی در صفوف کارگران پی برد. موضع‌گیری رادیکال و روشن علیه تمامیت نظام به‌رمکشی و استثمار، دفاع قاطع از شورا و سوسیالیسم، روحیه انترناسیونالیستی حاکم بر این بیانیه‌ها، نشان از ارتقاء آگاهی سوسیالیستی کارگران پیشرو است. در بیانیه‌هایی که از طرف تشکل‌های کارگری به مناسبت اول ماه مه انتشار یافته، آشکارا از یک آلترناتیو شورایی و کارگری صحبت شده است. بر آزادی زندانیان سیاسی، آزادی تشکل و بیان و تجمع تأکید شده است. از ضرورت اتحاد و مبارزه برای نابودی تبعیض و استثمار و نابرابری، رهایی از توحش نظام سرمایه‌داری و رسیدن به جامعه‌ای که در آن استثمار نباشد، رفاه و برابری حاکم باشد سخن رفته است.

همچنین صدور بیانیه مشترک در مورد حداقل دستمزد و تعیین رقم واحد اگرچه فی‌نفسه اقدام مثبتی است به‌ویژه در شرایطی که طبقه حاکم دستمزد منطقه‌ای و "توافقی" را عنوان می‌کند، اما مادام که اقدام مشترکی در عرصه مبارزه

کارگران تشکل‌هایی ایجاد نموده، به‌طور نسبی خود را متشکل ساخته‌اند و قادرند اعتصاب و اعتراض را در این مراکز سازمان دهند. در نفت و فولاد و هفت‌تپه این تلاش‌ها چشمگیر بود. اما کارگران این تلاش‌های عیب را باشکست روبرو ساختند. کارگران هفت‌تپه در جریان اعتصاب و اعتراض خود، روز ۷ مهر درب دفتر شورای اسلامی کار را گل گرفتند. پیش از آن نیز توطئه اداره کار که سعی کرده بود شورای اسلامی کار را به‌عنوان نماینده کارگران جایزند و با آن وارد گفتگو شود، خنثی کرده بودند.

اگرچه با بررسی کم و کیف اعتصابات کارگری حتی در محدوده نمونه‌های فوق می‌توان به یک



ارزیابی نسبی از جنبش کارگری در سال ۱۴۰۰ دست‌یافت، اما برای دستیابی به یک ارزیابی دقیق‌تر و کامل‌تر به فاکتورهای مهم دیگری نیز باید اشاره کرد و نقاط ضعف و قوت مبارزات کارگری را مورد کنکاش قرارداد.

این واقعیتی است که به‌رغم افزایش شمار اعتصابات کارگری و از جمله اعتصابات فرا واحدی به‌ویژه در نفت، اما اعتصابات کارگری در کلیت خود کامکان از پراکندگی در رنج است. پیشرفت‌های مبارزاتی سال ۱۴۰۰ در نفت نسبت به سال قبل از آن غیرقابل‌انکار است میزان تشکل‌یابی کارگران نفت در جریان اعتصابات به میزان محسوسی افزایش یافته است. چند اعتصاب سراسری کارگران رسمی و پیمانی نشان‌دهنده وجود ارتباط و تشکل غیرعلنی هماهنگ‌کننده در نفت است. اما این هنوز کافی نیست. کارگران مشغول به کار در واحدها و شرکت‌های متعدد پیمانکاری نیازمند تشکل مستقل در این شرکت‌ها و در محل کار هستند که باید اجزای تشکل سراسری باشند. فقدان یک تشکل مستقل سراسری مرتبط با بدنه کارگران از کمبودهای بسیار مهم و ایجاد آن از ضرورت‌های مبرم تعمیق و گسترش مبارزه در نفت است. تردیدی نیست که "شورای سازمان‌دهی مبارزات کارگران پیمانی نفت" نقش مهم و مثبتی در اعتصاب سراسری کارگران پیمانی ایفا کرد. این تشکل اما از آنجاکه تشکلی محروم از حضور مؤثر و فعال در محیط کار و میان توده کارگران بود، به‌رغم همه تلاش‌ها و خدماتش نمی‌توانست نقش یک تشکل مستقل سراسری سازمانده و هماهنگ‌کننده مرتبط با محیط کار را ایفا کند و نکرد. اعتصاب بزرگ و شکوهمند کارگران پیمانی اگرچه خوب

شعار سال خامنه‌ای: ادعاهای پوشالی سال‌های گذشته

چون "حماسه سیاسی و اقتصادی"، "اقتصاد مقاومتی"، "حمایت از کالای ایرانی"، "رونق تولید"، "جهش تولید" و مزخرفات بی‌حاصلی از این دست. نتایج این نامگذاری‌ها هم نیازی به توضیح زیادی ندارند. هر سال نه تنها "رهنمودهای اقتصادی" وی جامه‌ی عمل نمی‌پوشند، بلکه بر وخامت اوضاع افزوده می‌شود؛ چرا که این شعارها چیزی جز تراوشات و توهمات مغزی علیل و متوهم و ناتوان از درک قوانین و کارکردهای نظم اقتصادی نیستند. نظم اقتصادی سرمایه‌داری حاکم بر ایران سال‌های مدیدی است که دچار یک بحران مزمن رکود - تورمی است. این بحران ساختاری با پافشاری خامنه‌ای و کابینه‌های پیاپی در اجرای سیاست‌های نتولیبرالی دیکته شده توسط سرمایه‌داری جهانی و در تلفیق بی‌لیاقتی و ناکارآمدی مقامات به همراه فساد سیستماتیک ارگان‌ها و مسئولین چنان شدت و حدتی یافته است که اکنون میلیون‌ها تن از توده‌های مردم ایران را به زیر خط فقر و حتا فقر مطلق سوق داده است. فقر و فلاکتی بی‌اهمیت برای مقامات جمهوری اسلامی چرا که بدون تلاشی برای حتا تخفیف آن، هر از گاهی بیشتری نیز بر این زخم جان‌ستان می‌زنند.

نمونه، خامنه‌ای در پیام نوروزی یکشنبه ۲۹ اسفند ۱۴۰۰، مبارزه روزمره برای بقای میلیون‌ها تن از مردم ایران را به "تخلی‌هایی" تقلیل می‌دهد و می‌گوید: "اما امسال امیدواریم بخشی از این‌ها برطرف بشود، چون همه این‌ها دفتراً برطرف نمی‌شود، به تدریج برطرف خواهد شد. این‌که آدم عجله کند، بگوید نه‌خیر، به همین زودی، واقع‌بینانه نیست." بلی ویرانی چهل و چند ساله را نمی‌توان "به زودی" برطرف کرد، اما وی اشاره نمی‌کند مسبب "نتیجی معیشت، گرانی و تورم" کنونی همان رژیم‌ی است که وی نزدیک به ۲۳ سال در رأس آن قرار دارد. در این سه دهه و سالیان پیش از آن هم نشان داده شده است قرار هم نیست که "برطرف" شوند، چرا که گذشته از شواهد دیگر، نتایج اقدامات "دولتی مردمی و علاقمند به حرکت‌ها و هدف‌های مردمی" را در ماه‌های اخیر شاهد بوده‌ایم: افزایش تورم و گرانی، تعیین حداقل دستمزد چند برابر زیر خط فقر، حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و اختصاص بودجه به نهادهای نظامی و مذهبی و تبلیغاتی بدون اندک اعتنایی به وضعیت معیشتی مردم.

نه تنها اقدامات و برنامه‌ریزی‌های کابینه رئیس‌ی آینده تاریکی را برای توده‌های مردم رقم می‌زند، بلکه خامنه‌ای نیز در پیام نوروزی و سخنرانی اول فروردین، تکلیف مردم را روشن‌تر ساخته است. سران رژیم امیدوار به دستیابی به توافق با دولت‌های غربی بر سر برجام و کسب درآمدهای نفتی کلان، از هم اکنون بی هیچ شرم و نهان‌کاری کیسه‌های خود را برای این درآمدها دوخته‌اند. خامنه‌ای در سخنرانی روز اول فروردین، با اشاره به "درآمدهای نفتی" و محل صرف این "درآمدها" به مردم هشدار می‌دهد که انتظار "رفاه و آسایش" نداشته باشند، چرا که این

درآمدها قرار است صرف "کارهای اساسی" از جمله "تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین" شوند. در جمهوری اسلامی، بنگاه‌های "دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین" اسم رمز شرکت‌ها و هلدینگ‌های وابسته به "ستاد اجرایی فرمان امام"، نهادهای مذهبی از جمله اوقاف و آستان قدس، نهادهای نظامی از نمونه سپاه و ارتش و نیروهای انتظامی، سران رژیم و وابستگان آنان است که بر تمام اقتصاد ایران چنگ انداخته‌اند. شرکت‌ها و بنگاه‌هایی که به اعتراف خود خامنه‌ای در "دولت‌های مختلف طرح‌هایی با نام‌های گوناگون" ارائه کرده‌اند، "تسهیلات بانکی" گرفته‌اند از "پول‌پاشی‌های" رژیم بهره برده‌اند، اما "همه‌ی این طرح‌ها ناموفق" بوده‌اند.

چند نمونه از این بنگاه‌های "دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین" که به ادعای خامنه‌ای "اوج پیشرفت علم و فناوری" بوده‌اند، شرکت‌های وابسته به "ستاد اجرایی فرمان امام" بوده‌اند که به ادعای خامنه‌ای "چند نوع واکسن مورد تأیید جهانی" تولید کرده‌اند! از ادعای کذب "مورد تأیید جهانی" که بگذریم، داستان واکسن‌سازی داخلی، میزان واکسن تحویلی، غارت و چپاول میلیاردری نهادهای و شرکت‌های "دانش‌بنیان" تحت نظر خامنه‌ای داستانی آشنا بر همگان است. حداکثر پیشرفت علمی، اگر بتوان آن را "پیشرفت علمی" نامید در زمینه‌های نظامی بوده است که به نیروهای اسلام‌گرا و دست‌نشانده جمهوری اسلامی در منطقه یاری رسانده است و هیچ نفع و ثمره‌ای برای توده‌های مردم نداشته است.

گذشته از آن که روشن نیست، خامنه‌ای به اتکای کدام زیرساخت‌ها قرار است "تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین" را رونق بخشد، فساد و چپاول سیستماتیک و نهادینه در جمهوری اسلامی نیز جایی برای اختصاص بخشی از درآمدهای نفتی آینده به رفاه و آسایش مردم باقی نمی‌گذارد. البته تأکیدات خامنه‌ای بر عدم "گره زدن اقتصاد کشور با تحریم‌ها" ظاهراً مؤید این سیاست است که قرار است اقتصاد کشور بدون اتکا به درآمدهای نفتی آتی به راه خود برود. در واقعیت اما حاصل این مجموعه چیزی نخواهد بود جز وخامت بیش‌تر وضعیت معیشتی توده‌های مردم. به این ترتیب در پیامی که بنا به رسم قرار است امیدبخش و شادی‌آفرین باشد، نه تنها تهی از امید و شادی است، بلکه دشمنی خامنه‌ای و رژیم‌اش با مردم را آشکار می‌کند.

وی در سخنانش، نه تنها یکی از جان‌فرساترین معضلات توده‌های مردم را خرد و خوار می‌نمایاند، بلکه "انتخابات" مورد تحریم اکثریت مردم را "شیرینی بزرگ" می‌خواند. البته در این پیام به شیوع کرونا هم اشاره می‌کند، ولی باز هم بدون پاسخگویی به پیامدهای "رهنمودها" و "تصمیمات" خود و مسئولین جنایت‌کارش مبنی بر ممنوعیت ورود واکسن، عدم رعایت پروتکل‌های پیشگیرانه و عدم ارائه حمایت‌های اقتصادی و پزشکی و بهداشتی که به مرگ چند صد هزار نفر انجامید.

بخش‌های دیگر سخنرانی وی نیز فرازهایی از

شکست شعارهای وی را آشکار می‌کنند. برای نمونه، خامنه‌ای بیش از سه دهه است که سیاست "خودکفایی در کشاورزی" را دنبال می‌کند. این سیاست در سالیان گذشته نه تنها به تخریب محیط زیست و به تعبیری "ورشکستگی آبی" کشور انجامیده است، بلکه به اعتراف خود وی در پیامش هنوز "بخش کشاورزی ما متأسفانه جزو وابسته‌ترین بخش‌های کشور به واردات است". اکنون در پی سالی که ساکنین برخی از نقاط کشور حتا به آب آشامیدنی سالم دسترسی نداشتند، چه رسد به آب کافی برای آبیاری محصولات کشاورزی و اعتراض‌های بسیار در گوشه و کنار کشور به کم‌آبی، باز در سخنرانی روز اول فروردین بر پیگیری این سیاست پای می‌فشارد، بدون آن که واقعیت‌های موجود این ابله را بر سر عقل آورده باشد.

در مجموع خامنه‌ای در پیام و سخنرانی‌اش، در حالی که می‌کوشد وعده‌های کذب به مردم بدهد، اما از لابلای سخنانش، بوی شکست و خفت لاف و گزاف‌هایش آشکارا به مشام می‌رسد.

تعبیر دقیق شعار امسال خامنه‌ای "فلاکت فزون‌تر برای توده‌های مردم" و "دزدی و چپاول فزون‌تر وی و همدستانش" است. خشم‌آورتر آن که وی، در عین حال از تزییق "امید" به جامعه سخن می‌گوید. تزییق "امید" به مردمی پنجه در پنجه بحران‌های هم‌جانبه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و رویارو با سرکوبی عنان‌گسیخته.

همان‌گونه که گفته شد، تمام نامگذاری‌ها و شعارهای سال خامنه‌ای تاکنون برای مردم پیامدی جز تیره‌روزی بیش‌تر نداشته است. مسلماً سال پیش رو نیز استثنایی بر این قاعده نخواهد بود. اما در سال گذشته کارگران و زحمتکشان نشان دادند که در مبارزات خود مصمم‌تر و پیگیرتر شده‌اند. تنها نگاهی به مبارزات سال گذشته نشان از آن دارد که اکثریت توده‌های مردم به ستوه آمده و وضعیت موجود را برنمی‌تابند. دیگر نه وعده و وعید، نه توهم‌پراکنی، نه خرافات مذهبی و نه تهدید و سرکوب دهنشانه رژیم آنان را از گسترش مبارزات باز نمی‌دارد. کارگران و زحمتکشان تنها باید به اتحاد و همبستگی خود ایمان بیاورند و به توانایی برای تغییر و خلق آینده‌ای روشن به دستان توانای‌شان. باشد که سال پیش‌رو سال نیکویی باشد برای تمام کوشندگان و مشتاقان کار، نان و آزادی.



چهره کریه جنگ در سیمای پناهندگان و آوارگان اوکراین

پناهجویان افغانی که پس از تسلط طالبان در افغانستان، خانه و کاشانه خود را ترک کرده و راهی کشورهای اروپایی شدند، هرگز با آنان مشفقانه و با یک ادبیات "انسان دوستانه" ای سخن نگفتند. به راستی چرا؟

چون آنان غیر خودی و خارج از سرزمین های اروپایی بودند؟ چون میلیون ها آواره و پناهجوی جنگی افغانستان و سوریه و عراق و دیگر کشورهای آسیایی و آفریقایی "چشم آبی" نبودند؟ چون رنگ موهایشان روشن و "بور" نبود؟ یا اینکه پناهجویان اوکراینی از نژادی برتر و برخوردار از "ژن خوب" هستند که اینگونه مورد توجه دیگران واقع شده اند؟

بدون هیچ تردید و اما و اگر، این حق آوارگان و پناهجویان جنگ زده اوکراینی است که پس از ترک خانه و کاشانه خود، سر پناهی بگیرند و با آغوش باز از طرف دولت ها و مردم کشورهای همسایه و دیگر کشورهای اروپایی پذیرفته شوند. این حق آنان است که دوران جنگ و آوارگی را با حداقل آرامش در دیگر کشورهای اروپایی به سر برند. اما این حق نباید به صورت یک "حق ویژه" فقط برای "چشم آبی" های جنگزده اوکراینی لحاظ شود. این حق همه پناهجویان و آوارگان جنگی است که همانند پناهجویان اوکراینی با آغوش باز و ادبیات "انسان دوستانه" سازمان ملل و کشورهای اروپایی مواجه شوند. مستثنی از اینکه رنگ و نژاد و جنسیت آنان چه باشد، مستثنی از اینکه از کدام نقطه جهان آواره شده باشند، این حق انسانی همه آنان است که سر پناهی گرم بگیرند، پناهندگی شان پذیرفته شود، تحصیل کنند، از حق کار برخوردار باشند و با آرامش خاطر گذران زندگی کنند. آیا چنین برخوردی با همه پناهجویان جنگزده از اقصا نقاط جهان اعمال شده است؟

درست چند روز قبل از حمله روسیه به اوکراین، کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد با اشاره به جان باختن روزانه ده ها تن پناهجو که با قلیق خود را به اروپا می رسانند اما از طرف اتحادیه اروپا دست رد بر سینه آنان زده می شود، خشونت فزاینده و نقض حقوق بشر علیه پناهجویان در مرزهای سراسر اروپا را محکوم کرد و آن را "بی اعتدالی بی رحمانه به زندگی" خواند.

جف کریسپ، از مرکز مطالعات پناهندگان دانشگاه آکسفورد نیز با اشاره به "بیش از ۶ میلیون سوری که در زمان جنگ نیابتی در این کشور از سوریه گریختند" و مقایسه آن با پناهجویان اوکراینی گفت: "واکنش کشورهای اتحادیه اروپا به بحران پناهجویان در اوکراین فوق العاده است. هرچند ما شاهد تبعیض آشکار میان پذیرش پناهجویان اوکراینی با مردمی که از عراق، سوریه یا کشورهای دیگر به سوی مرزهای اروپا می آیند، هستیم".

این واقعیتی است که همواره از طرف سازمان ملل و اتحادیه اروپا نسبت به پناهجویان جنگزده غیر اروپایی اعمال شده است. حمله نظامی روسیه به اوکراین و شروع جنگ نیابتی و امپریالیستی میان کشورهای غربی و روسیه در اوکراین، بار دیگر نه تنها چهره کریه جنگ را در سیمای میلیون ها آواره و پناهجوی اوکراینی به تصویر کشید، بلکه به آشکارترین شکل ممکن پرده از برخورد دوگانه و تبعیض آمیز سازمان ملل و اتحادیه اروپا در مواجهه با پناهجویان سایر کشورهای جنگزده نیز برداشت.

تنها در همان ده روز اول حمله ارتش روسیه به اوکراین، بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر آواره جنگی راهی لهستان شدند. در همان موقع، سازمان ملل با اعلام اینکه بحران پناهجویان اوکراینی تازه شروع شده است، نسبت به وقوع "بزرگترین بحران پناهجویی یک قرن اخیر" هشدار داد. در همان زمان، روزنامه گاردین نوشت: "جهان شاهد جدایی خانوادگی هایی است که در ازحماح پر هرج و مرج ایستگاه های قطار، از یکدیگر پیشی می گیرند، پدرانی که فرزندانشان را از پشت شیشه های قطار می بوسند و خستگی پناهجویانی که در نهایت به مکانی امن رسیده اند".

این گزارشات البته مربوط به هفته اول حمله نظامی روسیه به اوکراین است. اکنون اما با گذشت یک ماه و اندکی تعداد پناهجویان جنگی اوکراین نزدیک به ۴ میلیون نفر رسیده است؛ که تنها دو میلیون نفر از آنان در لهستان اسکان گرفته اند. اکثر اوکراینی های آواره و جنگ زده به سمت لهستان، مولداوی، اسلواکی، رومانی و مجارستان می روند؛ کشورهایی که مرزهای خود را به روی پناهجویان اوکراینی باز گذاشته اند و آوارگان اوکراینی نیز با امید به اینکه هر چه سریعتر جنگ خاتمه یابد و آنان دوباره به خانه و کاشانه خود باز گردند، به سمت کشورهای همسایه شتاب گرفته اند.

از شروع جنگ تا به امروز، اگرچه واکنش سایر کشورهای اروپایی نسبت به بحران پناهجویان اوکراینی بسیار سریع و یک پارچه بوده است، اما گزارش های بسیاری هم منتشر شده اند که از اعمال تبعیض و آزار و اذیت نسبت به پناهجویان رنگین پوست غیر اروپایی سخن گفته اند.

در پی خروج میلیون ها اوکراینی جنگزده، کشورهای عضو اتحادیه اروپا از همان روزهای نخست شروع جنگ اعلام کردند که بر اساس "دستورالعمل حفاظت موقت" که از سال ۲۰۰۱ پس از جنگ یوگسلاوی و کوزوو به محقق رفته بود، اکنون آن را برای پناهجویان اوکراینی لحاظ کرده و آنان حق آن را دارند که تا سه سال بدون ویزا در اتحادیه اروپا زندگی و کار کنند. اما بر اساس یک اصلاحیه تبعیض آمیز که به متن پیشنهادی دستورالعمل فوق اضافه گردید، این قانون تنها شامل اتباع اوکراینی می شود و دیگر پناهندگانی که از جنگ فرار کرده اند اما تابعیت اوکراینی ندارند، در شمول این "دستورالعمل" قرار نمی گیرند.

این برخورد تبعیض آمیز و دوگانه سازمان ملل و اتحادیه اروپا در مورد پناهندگان و آوارگان جنگی، واکنش های بسیاری را در میان کنشگران اجتماعی و دیگر پناهندگان کشورهای جنگزده برانگیخته است.

سازمان ملل با برآورد اینکه تعداد پناهجویان اوکراینی ممکن است به ۵ میلیون نفر برسد، نسبت به وقوع "بزرگترین بحران پناهجویی" یک قرن اخیر هشدار داد. این هشدار سازمان ملل در حالی مطرح شده است که پیش از این در جنگ نیابتی سوریه که منجر به آوارگی و پناهجویی بیش از ۶ میلیون نفر سوریه ای شد، این سازمان مدافع پناهندگان هرگز چنین واکنشی از خود نشان نداد. سازمان ملل و کشورهای اروپایی در مقابل انبوه

در امان بودن از کشتار و مرگ راهی لهستان و دیگر کشورهای همجوار شده اند. این همه خرابی و آوارگی و ویرانی، فقط گوشه ای از فجایع آشکار و روزشمار جنگ امپریالیستی و نیابتی میان روسیه و قدرت های بزرگ غربی است. جنگی ویرانگر که مسلمانان تاثیرات مخرب و دراز مدت آن تا سال های مدید با مردم اوکراین، روسیه و اروپا باقی خواهد ماند.

آنچه مسلم است، تهاجم نظامی روسیه به اوکراین یک شبه اتفاق نیفتاد و بارش سنگین رگبار موشک و گلوله های توپخانه ای ارتش روسیه بر سر مردم اوکراین در یک آسمان بی رعد صورت نگرفت. در واقع، تهاجم امپریالیستی روسیه به اوکراین و شروع این جنگ ارتجاعی ریشه در تضاد منافع میان روسیه و پیمان نظامی کشورهای اتلاننتیک شمالی (ناتو) داشته و دارد که دست کم از ۲۰ سال پیش با عضو گیری و پیشروی "ناتو" به سمت کشورهای اروپای شرقی شکل گرفت، به مرور طی سال های گذشته تشدید شد و سر انجام با تعمیق نزاع روسیه و قدرت های غربی بر سر اوکراین در قالب جنگی تمام عیار عینیت یافت.

نخستین نتایج حاصل از این جنگ ارتجاعی و امپریالیستی در طی همین مدت کوتاه، آوارگی و خروج نزدیک به ۴ میلیون نفر از مردم اوکراین به لهستان و دیگر کشورهای همجوار است. جنگی ویرانگر که با دخالت مستقیم و غیر مستقیم قدرت های بزرگ سرمایه داری غرب و خوی و خصلت تجاوزکارانه دولت روسیه بر سر توده های مردم اوکراین آوار شد. تهاجمی امپریالیستی که زمینه های وقوع آن از سال ها پیش آماده شد و سر انجام در پی به رسمیت شناختن جمهوری های استقلال طلب شرق اوکراین توسط روسیه و درخواست کمک نظامی آنان از روسیه به صورت یک جنگ تمام عیار به مردم اوکراین تحمیل شد. جنگی ارتجاعی و امپریالیستی که اکنون نه فقط توده های مردم اوکراین به صورت روزانه زیر آوار کشتار و ویرانی تهاجم ارتش روسیه قرار گرفته اند، بلکه با تحریم های امپریالیست های آمریکائی و اروپائی، رنج و سنگینی این جنگ ارتجاعی بر سر کارگران و توده های مردم روسیه نیز آوار شده است.

آوارگی، بی خانمانی، پناهندگی و فرار میلیون ها نفر از مردم اوکراین به کشورهای اروپایی از جمله نخستین نتایج ملموس این جنگ ارتجاعی است. به توپ بستن مناطق مسکونی اوکراین توسط ارتش متجاوز روسیه، کشتار مردم بی دفاع، ویرانی شهرها، قطع آب و برق و ویران شدن خانه ها بر سر مردم این کشور، عملاً باعث فرار و خروج میلیون ها تن از مردم اوکراین از کشور شده است. از همان نخستین روزهای حمله ارتش روسیه به اوکراین، چهره کریه جنگ قبل از هر چیز در سیمای آوارگان اوکراینی ظاهر شد. فیلم ها و اخبار هر روزه، مادرانی را نشان می دهند که دست کودکان خود را گرفته و با شتاب از مرزهای کشور خارج می شوند. زنان و مردان کهسالی را به تصویر می کشند که از خانه و کاشانه باز مانده و تن به آوارگی داده اند. سرگردانی دختران جوانی را نشان می دهند که برای یافتن سرپناه و جایی امن، شتابان به سوی کشورهای همجوار گریزانند.

بودجه ۱۴۰۱ سندی بر ضرورت سرنگونی انقلابی نظام حاکم

مصرف‌کننده نهایی نیز کاملاً باز گذاشته شد.

این مساله بویژه از دو جنبه قابل بررسی است. اول این‌که به بهانه‌ی تک‌نرخ کردن ارز، بهای عموم کالاها افزایش خواهد یافت. همه می‌دانند که "تک‌نرخ کردن ارز" تحت عنوان "مقابله با فساد و رانت‌خواری" تنها بهانه‌ی برای افزایش درآمد دولت است و یکی از نتایج تردیدناپذیر آن افزایش بهای دلار در صرافی‌ها و بازار آزاد خواهد بود. وقتی دلار دولتی ۲۳ هزار تومان برای واردات کالاهای اساسی اختصاص یابد، بدیهی‌ست که بهای دلار برای کالاهای دیگر به رقمی بسیار بالاتر از ۲۳ هزار تومان خواهد رسید. حتی اگر همین رقم ۲۶ هزار تومان فعلی را نیز در نظر بگیریم، با توجه به سایر هزینه‌ها از جمله عوارض گمرکی که با محاسبه نرخ دلار ۲۳ هزار تومانی ۵ برابر خواهد شد، قیمت کالاهای وارداتی از جمله کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای، مواد اولیه و مصرفی به شدت افزایش خواهند یافت. این راه در نظر بگیریم که همین موضوع به ورشکستگی کارگاه‌های کوچک نیز دامن می‌زند. چرا که این کارگاه‌ها برای گردش کار خود به سرمایه‌ی در گردش بیشتری حتی در مواردی چند برابر نسبت به قبل نیازمند هستند که عموماً همین الان نیز به دلیل رکود اقتصادی با مشکل روبرو هستند.

دوم این که عدم تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی به کالاهای اساسی اگرچه مبلغ بسیار هنگفتی نصیب جمهوری اسلامی می‌کند، اما از آن سو منجر به چند برابر شدن قیمت کالاهای اساسی شده که به نوبه‌ی خود منجر به افزایش بهای دیگر کالاها خواهد شد. این موضوعی‌ست که نه از چشم مردم پنهان است، نه از چشم اقتصاددانان مستقل و نه از چشم مقامات حکومتی.

برای نمونه حسین صمصامی که مدتی در کابینه احمدی‌نژاد مسئولیت وزارت اقتصاد را برعهده داشت و هم‌اکنون تحت عنوان "استاد اقتصاد" در دانشگاه "بهشتی" (ملی سابق) تدریس می‌کند و در عین‌حال قائم‌مقام کمیته امداد خمینی نیز هست در گفتگو با خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران در تاریخ ۴ فروردین، ضمن آن‌که پیش‌بینی می‌کند با تعیین نرخ ۲۳ هزار تومان برای دلار دولتی نرخ ارز در بازار آزاد بالاتر خواهد رفت، می‌گوید: "در حال حاضر با ارز ۴۲۰۰ مرغ را به مردم کیلویی ۲۴ یا ۲۵ تومان می‌دهیم. دارو را داریم ارزان‌تر می‌دهیم. این‌ها اگر حذف بشوند طبیعی است که قیمت این‌ها افزایش پیدا می‌کند. تخم‌مرغ را مثلاً الان داریم ۴۰ تومان می‌دهیم. حال اگر حذف شود به بالای ۱۰۰ تومان می‌رود! مرغ به بالای ۷۰ یا ۸۰ تومان می‌رود." البته همین‌جا باید اضافه کنیم که هم اکنون قیمت مرغ نه ۲۵ هزار تومان که به کیلویی ۴۰ هزار تومان رسیده است.

امین دلیری معاون سابق وزیر اقتصاد و دارایی نیز در گفتگو با "خبرگزاری تسنیم" در تاریخ ۲۲ اسفند در همین زمینه می‌گوید: "با حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی برای ورود کالاهای اساسی، دارو و نهاده‌های دامی و کشاورزی، و تک‌نرخ کردن ارز مطابق با نرخ بازار، حداقل ۶ الی ۷ برابر قیمت کالاهای اساسی و دارو را افزایش خواهد داد... به این ترتیب سایر کالاهای وارداتی از جمله مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای

واحدهای تولیدی نیز مشمول افزایش قیمت خواهد شد. با تغییرات یکباره نرخ ارز و مینای محاسباتی نرخ ارز برای حقوق گمرکی، سود بازرگانی و هزینه‌های ترخیص کالا، افزایش غیر قابل پیش‌بینی در افزایش قیمت کالاهای وارداتی، و به تبع آن باعث افزایش شدید قیمت کالاهای تولید داخلی و وارداتی در سال آینده رخ خواهد داد." اما با این وجود مجلس اسلامی با آرای بسیار بلایی به حذف ارز ترجیحی رای داد.

در لایحه بودجه البته مبلغی به عنوان جبران حذف ارز ترجیحی برای مصرف‌کننده نهایی در نظر گرفته شده که با یک حساب و کتاب ساده می‌توان دریافت که مبلغ فوق نسبت به پولی که از جیب کارگران و زحمتکشان بابت حذف ارز ترجیحی می‌رود بسیار ناچیز است.

در تبصره ۱۴ لایحه بودجه مبلغ ۱۰۶ هزار میلیارد تومان برای جبران اصلاح نرخ کالاهای اساسی، دارو، نان و خرید تضمینی گندم منظور شده است. با توجه به افزایش جهانی قیمت گندم، دانه‌های روغنی و نهاده‌های دامی، و نیز خشکسالی و کمبود آب کشاورزی در ایران مبلغ ۱۰۶ هزار میلیارد تومان حتی نمی‌تواند با احتساب دلار ۲۳ هزار تومان این افزایش قیمت را جبران کند چه رسد به توزیع کالابرگ (کوپن) بین مردم و یا جبران هزینه‌های مربوط به دارو و تجهیزات پزشکی که خود به تنهایی از مبلغ ۱۰۶ هزار میلیارد تومان بیشتر است. بنابراین آن‌چه که می‌ماند دست بردن دولت در سفره‌های محقر کارگران و زحمتکشان است.

به واقع سیاست حاکم بر لایحه بودجه تحت عنوان دروغین "مقابله با فساد و رانت‌خواری" و "رساندن یارانه به دست مصرف‌کننده واقعی" ادامه همان سیاستی‌ست که در کابینه احمدی‌نژاد تحت‌عنوان "هدف‌نندسازی یارانه‌ها" به سفره‌های کارگران و زحمتکشان دست‌نبرد زدند با همان ادبیات و با همان هدف. به اعتراف همت قلی‌زاده که "خبرگزاری تسنیم" او را کارشناس اقتصادی بودجه و یارانه‌ها معرفی کرده است "یارانه ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومانی که در سال ۸۶ پرداخت می‌شد الان معادل یک هزار تومان آن زمان است" (خبرگزاری تسنیم ۲۶ اسفند).

در این لایحه همان‌طور که در بالا آمد به بودجه نهادهای حیانت‌کار نظامی و نهادهای مفت‌خور مذهبی و تبلیغاتی حکومتی مانند "صداوسیما" به صورت چشمگیری افزوده شده است. برای نمونه بودجه سپاه پاسداران به حدود ۹۳ هزار میلیارد تومان رسید، کافی‌ست به یاد بیاوریم که بودجه این نهاد سرکوب در سال ۹۹ یعنی دو سال پیش ۲۶ هزار و ۳۳۵ میلیارد تومان بود. اما در شرایطی که کشور با بحران محیط زیستی روبروست بودجه سازمان حفاظت از محیط زیست تنها ۲ هزار میلیارد تومان است. یعنی حتی کمتر از بودجه "مرکز خدمات حوزه‌های علمیه" که حدود ۳ هزار میلیارد تومان بودجه دارد و این تنها یکی از دهها نهاد مذهبی است که از بودجه ارتزاق می‌کنند، بودجه‌ای که تمامی درآمدهای آن مستقیم و غیرمستقیم حاصل کار کارگر و یا متعلق به کارگران و زحمتکشان جامعه است. بودجه نیروهای انتظامی نیز از ۱۷ هزار و ۴۴۴ میلیارد تومان در سال ۹۹ به بالای ۴۳ هزار میلیارد تومان

در لایحه بودجه ۱۴۰۱ رسید.

اما این باز تمام ماجرا نیست. جدا از مبالغ فوق، در لایحه بودجه ۱۴۰۱ دولت موظف شده است تا به میزان چهار میلیارد و پانصد میلیون دلار نفت در اختیار نهادهای نظامی برای تقویت این نهادها قرار دهد که به دلار ۲۶ هزار تومانی ۱۱۷ هزار میلیارد تومان می‌شود. این را هم در نظر بگیریم که با ۴ میلیارد و پانصد میلیون دلار چه مشکلات مهمی را در کشور می‌شد حل کرد، اما برای جمهوری اسلامی مهم دستگاه سرکوبی است که بقای خود را مدیون آن می‌داند.

سیاست مالیاتی حاکم بر بودجه نیز یک نمونه دیگر از غارت سفره‌های محقر کارگران و زحمتکشان توسط دولت است. در حالی که خط فقر حداقل ۱۶ میلیون تومان است حقوق‌بگیرانی که بیش از ۵ میلیون و ششصد هزار تومان دریاقتی دارند، می‌باید مالیات پرداخت کنند. در حالی که به طور متوسط ده درصد بر حقوق کارکنان دولت و بازنشستگان افزوده شده اما میزان مالیات بر حقوق کارکنان دولت ۴۱ درصد نسبت به بودجه سال گذشته افزایش یافته است. همچنین میزان مالیات از کارگران و دیگر حقوق‌بگیران در بخش غیر دولتی نیز نسبت به بودجه سال گذشته ۵۱ درصد افزایش خواهد یافت. نکته مهم دیگر در رابطه با مالیات‌ها این است که از مجموع مالیات‌های پیش‌بینی شده مالیات ارزش افزوده بر کالاها و خدمات در مجموع ۲۰۴ هزار میلیارد تومان خواهد بود که از این میان مالیات ارزش افزوده برای بهداشت و درمان ۱۱۱ درصد افزایش خواهد یافت. مالیات ارزش افزوده بر کالاها نیز ۶۹ درصد افزایش یافته است. مالیاتی که عموماً بر دوش توده‌های مردم است. در مجموع نیز درآمد مالیاتی پیش‌بینی شده در لایحه بودجه با ۶۲ درصد افزایش به ۵۲۷ هزار میلیارد تومان می‌رسد که بخش بسیار بزرگ آن مستقیم یا غیرمستقیم بر دوش کارگران و زحمتکشان جامعه خواهد بود.

یکی دیگر از نکات بودجه، افزایش فساد و رانت‌خواری حتی نسبت به بودجه دوران حسن روحانی است. برای نمونه در بودجه تمامی وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی، مبلغی برای بسیج آن دستگاه‌ها و تبلیغات مذهبی در نظر گرفته شده که محلی برای پُر کردن شکم‌های سیری‌ناپذیر جیره‌خوران و مزدوران‌شان است. بودجه‌هایی که در اختیار استانداری‌ها قرار می‌گیرد یک نمونه دیگر است. سخنان اخیر خاتمه‌ای در بهاصطلاح پیام نوروزی‌اش آشکارا فضای رانت‌خواری کشور را عیان می‌کند. وی با اشاره به دلارهای نفتی و امکان رفع تحریم‌ها می‌گوید: "با این درآمدها دو گونه می‌توان برخورد کرد؛ یا می‌توان آنها را صرف افزایش واردات کرد با این تصور که با این کار، رفاه و آسایش مردم بیشتر می‌شود، این کار اگرچه ظاهر خوبی دارد اما باطن آن بسیار بد و در واقع ضایع کردن سرمایه‌های اساسی کشور است. راه دیگر که راه درست و اساسی است، استفاده از درآمدهای نفتی برای ساختن زیرساخت‌های کشور و محکم کردن بنیانها و ریشه‌دار کردن اقتصاد است که این کار باید انجام شود." این کلمات نیز چیزی نیستند جز ریختن دلارها به جیب شرکت‌های وابسته به حکومت که در راس آن‌ها هلدینگ‌های متعلق به شخص خاتمه‌ای هستند. مانند داستان تولید واکسن کرونا که یک میلیارد دلار پول مردم را به جیب "گروه دارویی برکت" متعلق به "ستاد اجرایی" در صفحه ۹



پیام شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست به مناسبت سال نو

بودجه ۱۴۰۱ سندی بر ضرورت سرنگونی انقلابی

در حالی که استقبال بهار طبیعت و آغاز سال جدید خورشیدی ۱۴۰۱ می‌رویم که همچون سال‌های گذشته، فقر و فلاکت، تورم و بیکاری و تبعیض و سرکوب در ایران بیداد می‌کند. نوروز که قرار است بهانه‌ای باشد برای نو نوار کردن خانه و خرید لباس تازه برای فرزندان، دیدار دوستان و آشنایان و فرصتی باشد برای شادکامی و پایکوبی، اما در زیر سایه سیاه حاکمیت رژیم استبدادی و سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، به امری نادر تبدیل گشته‌اند.

رژیم با حاکم نمودن فقر و فلاکت و تباہی بر زندگی کارگران و زحمتکشان، آنها را از هستی ساقط نموده است و اندک بضاعتی برای استقبال از بهار شکوفان طبیعت برای آنها باقی نگذاشته است. منتهاست که مایحتاج اولیه زندگی به کالاهای لوکس مبدل شده‌اند به طوری که اکثریت تهیستان شهر و روستا با سفره خالی، طبیعت زیبای بهاران را نظاره می‌کنند و با الهام از سرسختی طبیعت عزم خود را برای درهم شکستن زمستان سیاه حاکم بر زندگی‌شان صیقل می‌دهند.

در چنین شرایطی و در آستانه سال نو "شورای عالی کار" (مثلاً سه جانبه ضد کارگری) حداقل دستمزد یک کارگر را چهار میلیون و ۱۷۹ هزار تومان در ماه تعیین کرده است که گویا با بن خواربار، حق مسکن و حق اولاد می‌تواند به بالای شش میلیون تومان هم برسد، اما این رقم هم شامل حال کارگران روز مزدی و کارگران شاغل در بخش خدمات نمی‌شود. این در حالیست که خود نهادهای رژیم خط فقر را حدود ده میلیون تومان ارزیابی کرده‌اند که با داده‌های اقتصادی واقعی و از جمله رقمی که شماری از تشکل‌های مستقل کارگری ایران اعلام کرده‌اند یعنی ۱۶ میلیون تومان فاصله زیادی دارد.

رژیم ادعا می‌کند که برای افزایش واقعی دستمزد کارگران و حقوق بگیران، بودجه کافی ندارد، اما هر سال موقع تدوین بودجه سال جدید، پادش نمی‌رود که بودجه سیاه و سایر نهادهای سرکوبگر نظامی، انتظامی و امنیتی را افزایش دهد و یا بر بودجه نهادهای ارتجاعی مذهبی بیفزاید، گویی آنها با پایان سرمایه‌داری زمستان و رجعت بهاران، شکست و انهدام قطعی خود را با تمامی ساز و برگ و جهل و جنایت‌شان احساس می‌کنند.

امروزه جوانه‌های فردا، در نبرد طبقاتی جامعه ما بیش از سالیان گذشته چهره نموده است و آنرا می‌شود در مبارزات اخیر کارگران، معلمان، دانش‌آموزان، پرستاران و سایر زحمتکشان، در هر گوشه کشور دید، مبارزه‌ای پیگیر و شجاعانه برای معیشت و منزلت انسانی اردوی کار و رنج، مبارزه غرور انگیزی که از طریق تقویت همبستگی‌های متقابل و گسترش سازماندهی و تشکل‌یابی و بالا بردن رادیکالیسم این جنبش‌ها می‌توانند رژیم اسلام و سرمایه‌داری را به لبه پرتگاه هدایت کنند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست با گرامی‌داشت یاد و خاطره تمامی مبارزین راه آزادی و سوسیالیسم، فرا رسیدن سال جدید را به تمامی کارگران و زحمتکشان، زندانیان سیاسی و خانواده‌های شان و تمامی فعالین و مبارزین جنبش‌های اجتماعی جاری و همه مردمان در بند رژیم استبدادی و سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، که این ایام را به طرق مختلف گرامی می‌دارند، شاد باش می‌گوید.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم
اسفند ۱۴۰۰ - مارس ۲۰۲۲

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

فرمان امام" یکی از بزرگترین سازمان‌های اقتصادی متعلق به خامنه‌ای ریختند. قرارداد ۳۰ هزار میلیارد تومانی وزارت نیرو به فرمان ابراهیم رئیسی با قرارگاه "امام حسن" متعلق به سپاه پاسداران برای به اصطلاح آبرسانی یک نمونه دیگر است. قرارگاهی که تحت عنوان "خدمت رسانی به مردم محروم در رابطه با کرونا" در فروردین ۹۹ تشکیل شد اما در همین مدت کوتاه به یکی از پیمانکاران بزرگ جمهوری اسلامی تبدیل شده است. حتی برای ساخت مصالح نیز قرار است به سپاه نفت داده شود تا بفروشد!!

همه‌ی سوابق موجود نشان می‌دهد که حرف خامنه‌ای چیزی جز این نیست که دلارها به شرکت‌ها و یا افراد وابسته به حکومت تحت عنوان "ساختن زیرساخت‌ها" شرکت‌های دانش‌بنیان" و غیره داده شود. این چیزیست که مردم ایران در تمام این سال‌ها به‌خوبی تجربه کرده‌اند.

آنچه که از همان ابتدا در تهیه لایحه بودجه، کابینه رئیسی به سرمداری رئیس سازمان برنامه و بودجه تحت عنوان "بودجه اقباضی" کلید زده شد، در واقع اقباض‌اش فقط مربوط به حقوق کارکنان و کارگران بود و گرنه در عرصه‌های دیگر بئل و بخشش از جیب همان کارگران و زحمتکشان فراوان است.

تحت عنوان "بودجه اقباضی" و با بهانه‌ی بسیار مضحک "وقتی ۲۰ درصد حقوق کارمندان افزایش می‌یابد، ۵۰ درصد تورم برای عموم مردم ایجاد می‌شود" (میرکامی رئیس سازمان برنامه و بودجه ۲۴ مهر ۱۴۰۰)، متوسط افزایش حقوق کارکنان و دانش‌آموزان دولت ۱۰ درصد تعیین شد و نمایندگان مجلس اسلامی به‌رغم تمام شعارها همان را تایید کردند. حداقل حقوق نیز ۵ میلیون و ششصد هزار تومان، حداقل مستمری ۵ میلیون تومان و حداقل حقوق کارگران (تامین اجتماعی) نیز ۵ میلیون و ۶۸۰ هزار تومان (با احتساب حق مسکن و خواربار) تعیین گردید. این در حالیست که براساس آمار رسمی تورم بیش از ۴۰ درصد و تورم واقعی حداقل دو برابر آمار رسمی است. تعیین این مبلغ ناچیز در حالیست که پیش از این برخی از اقتصاددانان مستقل خط فقر را ۱۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان اعلام کرده و برخی از تشکل‌های مستقل از جمله دو سندیکای مستقل کارگران هفت‌تپه و شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه خواستار تعیین ۱۶ میلیون تومان به‌عنوان حداقل دستمزد شده بودند.

اما سیاست حاکم بر جمهوری اسلامی در تمامی این سال‌ها کاهش واقعی مزد بوده است و دقیقاً به همین دلیل است که هم اکنون نیروی کار ایران یکی از ارزان‌ترین نیروهای کار در سطح جهان است. هر جا هم که حاکمیت عقب‌نشینی کرده و یا امتیاز مختصری به کارگران و زحمتکشان در رابطه با مزد و حقوق داده است تنها نتیجه مبارزات آنها بوده است.

در همین روزهای گذشته وزیر کار کابینه رئیسی اعتراف کرد که هزینه دستمزد در تولید کالا به‌طور متوسط ۹ درصد است. واقعیت این است که رقم واقعی از این هم بسیار پایین‌تر است و با توجه به

بندست آورده است، اما هیچ کدام از این درآمدها که در واقع متعلق به مردم است نه تنها نتوانست تأثیری در سفره‌ها و افزایش حقوق کارگران و زحمتکشان داشته باشد، بلکه حتی نتوانست بر شتاب افزایش قیمت‌ها مهار بزند.

بحران اقتصادی رکود - تورمی حاکم بر اقتصاد ایران هیچ راه حلی در چارچوب نظم موجود ندارد و هیچ جناحی از طبقه حاکم قادر به حل این بحران نیست. این وضعیت باید تغییر کند. کارگران و زحمتکشان به این باور رسیده‌اند که برای تغییر وضعیت موجود هیچ راهی جز انقلاب وجود ندارد، و این را همه جا بیان می‌کنند در کوچه‌ها، در خیابان‌ها، در تاکسی‌ها، در اتوبوس‌ها، و در اعتراضات خیابانی. اما بدون شک برای تغییر وضعیت موجود، اتحاد کارگران و زحمتکشان و اعتصاب سراسری سیاسی یک ضرورت و اولین گام مهم است.

افزایش قیمت‌ها در سال آینده از جمله قیمت مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای، سهم مزد در سبد هزینه‌های تولید یک کالا بار دیگر کاهش می‌یابد. بنابراین اگر مزد کارگران حتی اگر به ۱۶ میلیون تومان می‌رسد باز تأثیر چندانی در هزینه‌های تولید یک کالا نداشت.

ناگفته نماند که درآمدهای ارزی جمهوری اسلامی به دلیل شل کردن تحریم‌ها از سوی دولت آمریکا و نیز افزایش بی‌سابقه‌ی قیمت نفت، به شدت افزایش یافته است. به اعتراف اوجی وزیر نفت کابینه رئیسی در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۹۹ "وصول درآمدهای نفتی و مبعانات، فرآورده‌های نفتی، محصولات پتروشیمی و خالص گاز صادراتی ۲/۵ برابر و گاز به ۳/۵ تا ۴ برابر رسیده است". به گفته‌ی وی همچنین "دولت" ۱۲ میلیارد دلار از درآمدهای ارزی خود را با نرخ ارز نیمایی به فروش رسانده است و از این راه نیز مبلغ بالایی

بودجه ۱۴۰۱ سندی بر ضرورت سرنگونی انقلابی نظام حاکم

لایحه بودجه ۱۴۰۱ در آخرین روز سال ۱۴۰۰ از سوی شورای نگهبان به تصویب رسید. همان‌طور که در شماره‌های پیشین نشریه کار در تحلیل لایحه بودجه ۱۴۰۱ که از سوی کابینه به مجلس اسلامی ارائه شده بود، نوشته بودیم؛ لایحه بودجه ۱۴۰۱ حتماً بیش از لوایح سال‌های گذشته علیه منافع و معیشت کارگران و زحمتکشان و به نفع سرمایه‌داران، دستگاه‌های سرکوب و تحمیق مذهبی و رانت‌خواران حکومتی تنظیم شده است. این لایحه همچنین چشم‌انداز تیرمتری از اقتصاد فرو رفته در بحران عمیق رکود - توری را به تصویر می‌کشد.

بهرغم تمامی جاروجنجال‌های نمایندگان مجلس و اقتصاددانان حکومتی از "اصلاح‌طلب" تا "اصولگرا" در مورد عواقب توری این بودجه و تأثیری که بر سفره‌های خالی کارگران و زحمتکشان دارد و وعده‌ی تغییراتی در لایحه بودجه به نفع کارگران و زحمتکشان، لایحه‌ی

مصوب مجلس اسلامی نه تنها همان شاکله لایحه بودجه کابینه را حفظ کرده است، بلکه با گشاده دستی بر بودجه دستگاه‌های مفت‌خور سرکوب و مذهبی افزوده و دست رانت‌خواران را برای غارت اموال مردم بیش از لایحه ارائه شده از سوی کابینه، باز گذاشته است.

حاجی دلیگانی عضو کمیسیون تلفیق و از اعضای هیات رئیسه مجلس اسلامی به این واقعیت این‌گونه اعتراف می‌کند: "آنچه دولت (کابینه) انتظار داشته را مجلس در اختیارش گذاشته است و به نوعی باید بگویم حتی فراتر از آنچه آن‌ها از ما می‌خواستند را در اختیارشان گذاشتیم".

یکی از مواردی که جاروجنجال زیادی به راه انداخته بود، موضوع حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی کالاهای اساسی بود که در نهایت همان پیشنهاد کابینه برای حذف آن به تصویب رسید و حتماً دست کابینه برای چگونگی جبران افزایش قیمت‌ها برای

۸ دصفحه

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 963 March 2022



تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آنلاین شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین‌وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته تلویزیون آنلاین شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیون‌های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره‌ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فدائیان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آنلاین شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲
مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: shora.tv@gmail.com

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-minority.org> ، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی